

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۴۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مصدوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه همشهری سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ در شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱) انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲ http://irannewsaper.ir	
اذان ظهر ۱۳/۱۰   اذان مغرب ۲۰/۴۳   نیمه شب شرعی ۰۰/۱۸   اذان صبح فردا ۴/۱۳   طلوع آفتاب فردا ۵/۵۷	

**امام صادق علیه‌السلام:**لقمان به فرزندش فرمود: فرزندم! از بی حوصلگی و بداخلاقی و بی‌تابی دوری کن که هیچ دوستی تحمل این خصلت‌ها را ندارد. در کارهایت آرام و بردبار، در تحمل زحمات‌برادران صبور و با همه مردم خوش‌اخلاق باش.

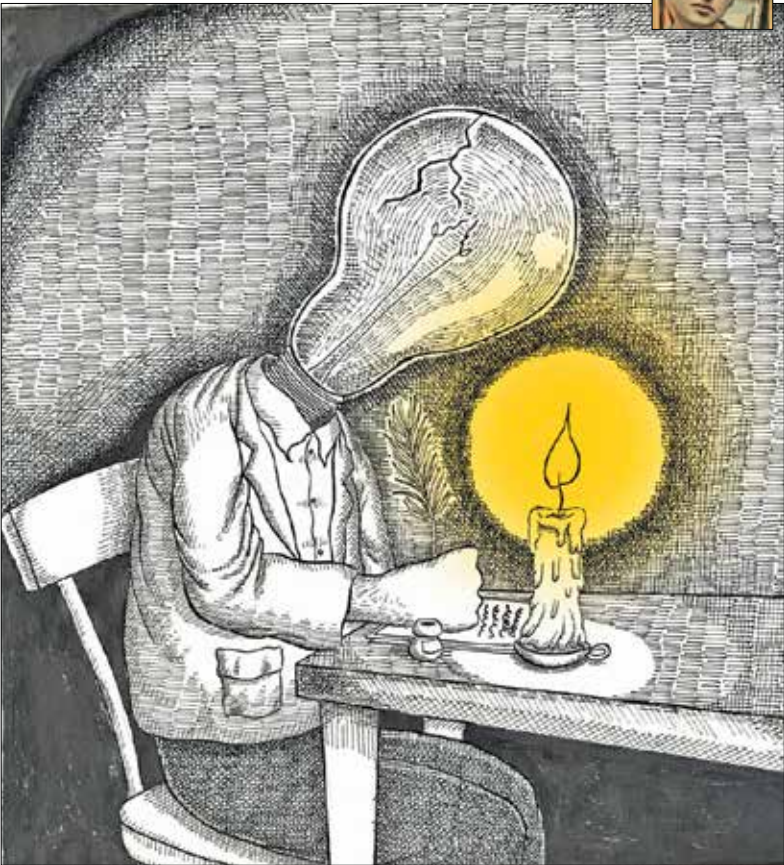
**سخن روز**

**نگاره**



کیان رادیویان

اندر احوالات خاموشی



## #ارتش قهرمان

**شهر وند مجازی**

**هشتگ**

در پی انتشار خبرهایی از شرایط سخت سیستان و بلوچستان کمک‌های مردمی به این استان محروم کشور ارسال شد. خیرین و پزشکان زیادی به این منطقه سفر کردند تا بتوانند با بردن تجهیزات پزشکی و بهداشتی شرایط بهتری برای این استان محروم درست کنند. از سوی دیگر انتشار فیلم گریان دختر بچه‌ای که از کم‌آبی سیستان و بلوچستان سخن می‌گفت باعث شد که نیروی زمینی ارتش در مناطق روستایی استان سیستان بلوچستان بیرون از مرزهای مرز ایران به طرفت کند. این حضور باعث شد که کاربران فضای مجازی با هشتگ ارتش قهرمان از خدمات این نیرو در این استان تشکر کنند. «ارتش به داد مردم سیستان و بلوچستان رسید.» «نیروهای جهادی ارتش عزیز، برای آبرسانی روزانه به روستای موردنظر دست به کار شدند.» «از ارتش مردمی و سپاه پاسداران انقلابی ممنونیم بابت آبرسانی به سیستان و بلوچستان، اما راضی کننده نیست واقعاً! ما در کل امیدوار کننده بود.» «در پی انتشار فیلمی از گلیاه و گریه یک دختر بچه

با مشایعت اهالی رسانه خبرنگار فقید ایرنا به خاک سپرده شد

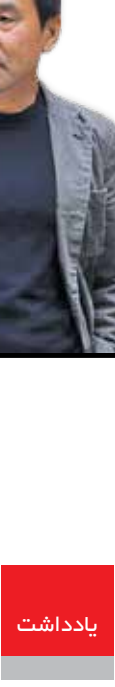
### پایان یک عمر مبارزه

داریوش غفاری از خبرنگاران و دبیران باسابقه سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) و از فعالان رسانه‌ای کشور، که صبح پنجشنبه پس از تحمل یک دوره بیماری در تهران درگذشت دیروز و با بدرفه اصحاب رسانده در کنار همکار مرحومش ریخته یاسینی به خاک سپرده شد. محمدرضا نوروزپور مدیرعامل خبرگزاری



جمهوری اسلامی (ایرنا) در مراسم تشییع این هنرمند فقید طی سخنانی کوتاه درباره مرحوم غفاری گفت: مرحوم غفاری در حالی که با بیماری سخت سرطان مبارزه می‌کرد هیچ‌گاه کارش را رها نکرد و در اوج بیماری به‌کار و تخصص خود پایبند بود. این خبرنگار فقید از جمله خبرنگاران، دبیران و مدیران ایثارگر و متعهد ایرنا بود که تا آخرین روزهای عمر خویش و با وجود بیماری سخت سرطان به فعالیت خبری ادامه داد و در سال‌های اخیر نیز عهده دار مدیریت اخبار صفحه اصلی خبرگزاری را برعهده داشت. محمدرضا نادری گیسو معاون خبر خبرگزاری ایرنا با اشاره به تلاش این خبرنگار فقید او را خبرنگاری باسابقه و حرفه‌ای دانست و گفت: مرحوم غفاری با ۲۷ سال سابقه، به‌عنوان رئیس در خبرگزاری استان‌های قم و البرز فعالیت داشت

**یادداشت**



**قباد شیوا**
طراح و گرافیس

### کرونا دنیا را تغییر داده است

هاروکی موراکامی؛مواجهه‌دنیا با چالشی به‌نام ویروس کرانه‌نهایک طاعون ناگهانی بلکه چیزی است که مانندجهانی شدن و تغییرات آب‌وهوایی دنیا را تغییر داده است.احساس می‌کنم اگر افراد ۱۰۰سال بعد، امروز را به‌یاد آورند متوجه خواهند شد که تمامی این عوامل درهم تنیده شده‌اند. آنچه بیش از هر چیزی مرا نگران می‌کند این است که افراد جوان در این شرایط چه احساسی دارند و چه اتفاقی برای آنها خواهد افتاد؛شرایط می‌تواند بهتر باشد یا بدتر. فکرمی‌کنم این نقش‌ومسئولیت یک‌رمان‌نویس است که درمقطع کنونی تاحدی که می‌تواند آثار مثبت تولید کند. زمانی که نوجوان بودم تصور می‌کردم دنیا بهتر خواهد شد اما احتمالاً نوجوانان امروزی فکرمی‌کنند دنیا در حال بدتر شدن است. باید شکل‌گیری این چهارچوب‌های ذهنی منفی را متوقف کنیم. جوانان در انزوا به‌سرمی‌برند اما آیا آنها پس از دوران کرونا به سمت ایجادارتباط با دیگران خواهند رفت یا همچنان ترجیح می‌دهند در انزوا باقی بمانند؟

بخشی از گفت‌وگوی این نویسنده مشهور ژاپنی با رادیو توکیو FM به نقل از ایستا

## اقتصاد پویا شود، هنر هم رونق می‌گیرد

ما هنرمندان به‌دلیل برخی سیاست‌های نادرست به‌وجود آمده است. من طراح گرافیک هستم و اگر اوضاع اقتصادی مملکت دچار مشکل شود، کار ما هم طبیعتاً دچار رکود می‌شود و ما بیکار یا کم‌کار می‌شویم؛ همان‌طور که امروز دیگر نه سفارش پوستر می‌آید و نه لوگو و نه سفارش بروشور... و این مشکل، نه فقط مشکل من بلکه مشکل تمامی طراحان گرافیک ایران است.

اگر وضع اقتصاد مردم، کارخانه داران و صاحبان صنایع خوب شود طبیعتاً برای انجام امور گرافیکی و تبلیغی مورد نیازشان به ما رجوع می‌کنند و این چرخه دوباره به حیات و حرکت خود ادامه می‌دهد. البته این را هم بگویم که صبر ما هنرمندان زیاد است و خود من در این شرایط سعی می‌کنم بیشتر مطالعه کنم و اگر چه فعلاً مشتری و خواهانی نیست اما حداقل برای دل خودم طراحی می‌کنم.

گرافیک در تمام دنیا مانند تمامی حرفه‌ها و هنرهای دیگر به اقتصاد وصل است و من به نوبه خود امیدوارم مشکلات اقتصادی کشور بهبود یابد تا کار همه مردم و ما هنرمندان هم رونق بگیرد، علی‌الخصوص هنرمندان جوانی که آینده کاری و زندگی‌شان را بر پایه کار در حوزه هنر استوار کرده‌اند و با ذوق و امید و انگیزه‌ای وارد این دنیا شده‌اند بیش از دیگران نیاز به حمایت دارند.

#### دو کتاب خواندنی از محمدقاسم‌زاده

در میان نویسندگان معاصر ایرانی که به فانتزی‌نویسی توجه دارند، محمد قاسم‌زاده را می‌توان یکی از بهترین‌ها دانست، بویژه با آن طنز همیشگی‌اش که در لایه‌هایی از اغلب داستان‌ها و رمان‌های او خودنمایی می‌کند. پیشنهاد دو کتاب خواندنی برای علاقه‌مندان ادبیات از همین نویسنده خوب کشورمان دارم؛ نخست، کتاب «مردی که خواب می‌فروخت». همان‌طور که از نام آن هم برمی‌آید داستانی بسیار مبتکرانه دارد، ماجرای مردی که پول می‌گیرد و خواب می‌فروشد! مردم به شخصیت این داستان پول می‌دهند تا برای آنها خواب ببیند و جالب اینکه با همین کار سبب برقراری آرامش میان ساکنان محل زندگی‌اش می‌شود، البته مرد طمع‌کاری نیست؛ در حد ناچیزی و فقط به اندازه امرارمعاش پول می‌گیرد و حتی گاهی هم این کار را برای افراد بی‌بضاعت رایگان انجام می‌دهد.

**پیشنهاد**



**افشین‌شده‌نagar**
مدیر نشر بین‌المللی «شمع و ده»



اوایل همه‌چیز خوب پیش می‌رود تا اینکه کم‌کم توقع مردم زیاد شده و سفارش‌های جدی‌تر و گاه عجیبی به او می‌دهند! آنقدر که پیرمرد داستان ناراحت شده و می‌گوید: «امن برای نجات شما آمده‌ام و شما مرا به چه کارهایی وادار می‌کنید!» و از آن شهر فرار می‌کند. او هرچه در خواب می‌دید به واقعیت تبدیل می‌شد و... «مردی که خواب می‌فروخت» با همکاری انتشارات «کتاب سده» در دسترس علاقه‌مندان قرارگرفته است. این داستان آنقدر موضوع بکر و جالبی دارد که به احتمال ترجمه انگلیسی‌اش را برای انتشار در کشورهای دیگر انجام بدهیم.

کتاب دیگری که می‌خواهم از آن بگویم هم متعلق به همین نویسنده و آخرین نوشته او است؛ «توفان سال موش». این رمان هم ماجرای جالبی دارد، به‌رغم برخورداری از حال و هوایی فانتزی اما بیشتر اجتماعی است؛ روستایی که مسیر تغییر پیش روی آن سبب تبدیلیش به شهر می‌شود. با این حال ساخت و سازها و اثرات فرهنگی- اجتماعی آن به شکلی پیش نمی‌رود که انتظار مردم و حتی سازندگان آن بوده است.

این رمان که حاصل سال‌ها تحقیق نویسنده‌اش به شمار می‌آید با همکاری نشر «نیماژ» منتشر شده است. نکته جالب‌توجه درباره هر دو کتاب محمدقاسم‌زاده اینکه بعد از خواندن آنها حال آدم خوب می‌شود و چه چیزی بهتر از این برای احوال این روزها! بویژه که به گمانم این دو نوشته را می‌توان از بهترین آثار تألیفی یک دهه اخیرمان دانست.

**عکس نوشت**

**اجرای زنده نقاشی توسط حسن روح الامین درمسجدنصیرالملک شیراز به مناسبت برگزاری گنگره جهانی محمد(ص)، پیامبر حمت درآیین ادب و هنر /خبرگزاری بین‌المللی قرآن**



جزه از کل استیو تولنز پیمان خاکسار

**تنها چیزی که می‌تونم بهت بگم**

**اینه که هیچ چیزمٹ احساس گناه روح آدم رو نمئی خوره.**

تأملی درباب پاسخگویی در رسانه

#### شفافیت میوه بلوغ است

**بودها و نمودها**



**علیرضا نراقی**
منتقد

و شهروندانی مسئول است. پس پاسخگویی و شفافیت به پیش‌نیازهای فرهنگی وابسته است. گاهی تصمیماتی پنهانی سرنوشت مردمان را تعیین کرده است، اما بجز مواردی مستند در تاریخ، دست‌ها و تصمیمات پنهان، اغلب ساخته ذهن مردمانی است که با از عمل سیاسی بازداشته شده‌اند یا اینکه تاب پذیرش مسئولیت اعمال خود را ندارند. در چنین شرایطی تخیل با به عرصه می‌گذارد و گروهی نادیده را در اتاقی در بسته می‌نشانند و شرایط واقعی را به گردن آن گروه موهوم می‌اندارد.

افکار مبتنی بر تنوری توطئه و اینکه مثلاً اوضاع جهان را عده‌ای معدود و ملمعون، با فلان خصوصیات فکری و حتی ظاهری، به وجود می‌آورند، ریشه‌ای طولانی در تاریخ مدرن دارد، اما بذر رشد چنین افکاری، ناآگاهی و توسعه‌یافتگی فردی و جمعی است. جوامع و گروه‌های اجتماعی کمتر توسعه یافته، حتی در دل کشورهای توسعه یافته، دچار چنین تصوراتی هستند. مثلاً بدنه خرده فرهنگ کمتر تحصیل‌کرده و از نظر اجتماعی و فرهنگی منزوی امریکا، که اغلب هوادار دونالد ترامپ بودند، از سیاست و رسانه چنین تصویری در ذهن دارند. اینکه وضع خود و جامعه خود را به نیرویی غیراز خودمان حواله دهیم، ارتباطی عمیق با مسئله «نابالغی» و کودک‌وارگی دارد. امانوئل کانت، فیلسوف بزرگ قرن جدیدم در مقاله تاریخ‌ساز خود «در پاسخ به پرسش روشنگری چیست؟» می‌نویسد: «روشنگری، خروج آدمی است از نابالغی به تقصیر خویشتن خود. و نابالغی، ناتوانی در به کار گرفتن فهم خویشتن است بدون هدایت دیگری.» به میزانی که نابالغ نباشیم مسئولیت پذیریم و به حکومت دیگری بر ذهن‌مان ختمه می‌دهیم. همیشه عده‌ای از دست‌ها و تصمیمات پنهانی می‌گویند و با آسمان و ربسمان بافتن، این ایده را صورتبندی و تبلیغ می‌کنند و البته از مواهبی چون استاد و دکتر خوانده شدن و سواری گرفتن از اذهان نابالغ بهره‌مند می‌شوند.

اگر بناسط رسانه ملی همان دانشگاهی باشد که با مردم در ابتدای انقلاب عهد شده بود، برون رفتن از آن «نابالغی» و اتکا به خودی مسئولیت‌پذیر، شرط اول است. رسانه ملی محل جست‌وجوی دست‌های نادیده و قاتلان ناموجود بدون مقتول نیست، بلکه محل شفاف ساختن حقایقی است موجود، که البته خاموش مانده‌اند. سر تا پای رسانه ملی را این روزها برنامه‌هایی گرفته که ادعای آنها شفاف‌سازی و پاسخگو کردن مسئولان است، اما پاسخگویی یک ژست رسانه‌ای ما میز و صندلی‌های بزرگ، نورپردازی بنفش و مجری متلک‌پران اما لسه قربان‌گو، نیست. پاسخگویی یک فرهنگ است و این فرهنگ جز از طریق برون رفت از آن «نابالغی» میسر نیست. محتوای مبتنی بر کشف دست‌های پنهان، در رسانه ملی بسیار رواج دارد. پیدا کردن دست‌های پنهان در برنامه‌هایی که به‌دنبال حقیقت و پاسخگویی هستند نوعی تناقض است و این تناقض در رسانه، حاصلی جز فریه کردن فرهنگی مسئولیت‌ناپذیر و در نتیجه غیر شفاف و غیر پاسخگو ندارد.

